

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

قتل اشتباهی با سیخ کباب



آشپز رستوران که بر سر طلب ده هزار تومانی با کارگر افغان درگیر و سیخ کباب را ستمش انداخته بود، ناخواسته قتل کارگر دیگری را رقم زد. به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۶ سه‌شنبه دهم دی امسال محمدتقی شعبانی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران از طریق مأموران شهرک ولیعصر در جریان مرگ مردی حدود ۳۸ساله در بیمارستان غیاثی قرار گرفت. با دستور وی، تحقیقات آغاز و معلوم شد که جنایت در یک رستوران رخ داده و قاتل در بیمارستان بازداشت شده است. دیروز آشپز ۵۰ ساله برای ادامه تحقیقات به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و با اعتراف به جنایت به بازپرس جنایی گفت: سال‌هاست که در رستوران‌های مختلف آشپزی می‌کنم. مقتول برادریکی از باجناق‌هایم بود که در بخش بوفه و بسته‌بندی غذای این رستوران همراه یک مرد افغان کار می‌کرد. من یک ماه بود همکاری‌شان شده بودم. وی افزود، چندی پیش یک جفت کتانی به همکار افغانم فروختم و او ۴۰ هزار تومان داد و ده هزار تومان بقیه‌اش ماند. روز حادثه دو عدد ادکلن خریدم که ۴۰ هزار تومان شد. یکی را به همکار افغانم دادم، اما بعد از ساعتی بازگشت و مدعی شد که این ادکلن مورد نظرش نبوده و حتی آن را به یکی‌گران داده‌ام. دعوایمان شد و به او گفتم ده هزار تومان بدهی‌اش را بپرداز. بعد عصبانی شدم و با سیخ کبابی که دستم بود یک ضربه به صورتش زدم. بعد سیخ کباب را به سمتش پرت کردم که جاقالی داد و به گردن برادر باجناقم خورد و او کشته شد.

شکنجه دختر اوتیسمی

به دست پدر



پلیس سیرجان در جست‌وجوی مردی است که برای تصاحب ارثیه مادری، دختر نوجوان اوتیسمی‌اش را شکنجه می‌داد.

مehتاب حسینی، رئیس اداره بهزیستی سیرجان به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: دختر ۱۴ ساله سیرجانی همراه مادرش زندگی می‌کرد و سرپرستی او در اختیار وی بوده که این زن بر اثر تصادف فوت شد. در ادامه سرپرستی دختر نوجوان به پدرش و نامادری وی سپرده شد. وی افزود: این دختر ۱۴ ساله مبتلا به اوتیسم بود و بعد از گذشت مدتی توسط پدر خود تحت آزار جسمی و سوختگی بدنی قرار گرفت و از سوی وی شکنجه می‌شد. ما از طریق اورژانس اجتماعی متوجه موضوع کودک‌آزاری شدیم. بررسی‌های اولیه نشان می‌دادکه پدر این نوجوان، با انگیزه‌های مالی فرزندش را آزار داده است و این دختر بعد از فوت مادر تنها وارث قانونی او بوده و ظاهراً همین مسأله دلیل کودک‌آزاری وی شده است. بیتا از ناحیه دست، آرنج و پا دچار سوختگی شدید است، همچنین در ناحیه دست و پا شکستگی دارد.

۵ کشته در تصادف مسیر سراوان

تصادف خودروی وانت تویوتا با خودروی پراید در محور سراوان- خاش پنج کشته برجا گذاشت.

سرهنگ کوشاد بهروزی‌زاده، فرمانده پلیس راه شمال سیستان و بلوچستان به ایرنا گفت: صبح چهارشنبه یازدهم دی امسال وقوع تصادف خودروی وانت تویوتا با خودروی پراید در کیلومتر ده محور سراوان- خاش به پلیس گزارش شد. زمانی که ماموران در آنجا حاضر شدند، مشاهده کردندکه سه نفر سرنشین پراید و دو سرنشین وانت تویوتا کشته شده‌اند. بررسی‌های پلیسی نشان می‌داد که انحراف به چپ خودروی سواری پراید باعث این تصادف مرگبار شده است.



متهم پرونده در شعبه ۱۰۳۱ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید قدوسی تهران محاکمه شد و مجموعاً به تحمل شلاق، هشت سال حبس و رد مال به شاکیان و جزای نقدی معادل مال مأخوذه در حق صندوق دولت محکوم شد.

پشت صحنه یک ماجرا



قتل برادر با خشم پنهان

پسر ۲۱ ساله که متهم به قتل است، زمانی که برادرش به دنیا آمده در اوایل بلوغ بوده و درگیر دوران پراسترس نوجوانی بوده است. او دوره‌ای را طی کرده که با فاصله گرفتن از دوران کودکی، به سمت بزرگ شدن پیش می‌رفته است. در این دوران او احتیاج دارد که والدینش کنارش باشند تا دوره بلوغ نوجوانی را بگذراند.

بچه دوم خانواده بیمار بوده و بیشتر توجه خانواده سمت این بچه می‌رود.

حال با این شرایط، قاتل وارد دوران جوانی شده و خشم فرو خفته‌ای در او به وجود می‌آید که سرانجام این خشم، قتل برادر می‌شود.

در خانواده‌هایی که یکی از اعضای خانواده دچار اختلال جسمی و ذهنی است، باید همه اعضای خانواده نزد مشاور بروند و برای رویه زندگی‌شان راهنمایی بگیرند چرا که بیمار اوتیسمی خیال می‌کند رفتارهایی را که انجام می‌دهد طبیعی است.

در این پرونده پسر دانشجو متوجه می‌شود درمانی برای بیماری برادرش وجود ندارد، از سوی دیگر والدینش را می‌دیده که برای درمان او تلاش می‌کنند. او تصور می‌کند که خانواده‌اش عذاب می‌کشند.

این عوامل همه دست به دست هم می‌دهند تا پسر جوان به سمت ارتکاب قتل برود. وی تحت تعلیم یک فیلم، مرتکب قتل شده و بعد از آن خود را تسلیم می‌کند.

البته در اغلب قتل‌های خانوادگی شاهدیم که قاتلان خود را تسلیم می‌کنند. او شاید از ارتکاب قتل پشیمان باشد، اما تصور می‌کند با این کار به برادرش کمک کرده تا از این وضعیت و درد و رنجی که می‌کشیده، رها شود.



لیلا اسماعیلی

کارشناس ارشد روان‌شناسی

دیوار، با ما خود رو، شیپور و ارسال پیام‌های انبوه، مردم را به داشتن اختیارات واهی و امر غیرواقع یعنی تهیه خودرو با شرایط اقساطی و تحویل با مدت زمان کوتاه که معمولاً ۲۰ روزه بوده و ارائه حواله‌های غیرواقعی، امیدوار می‌کرد. او از ۱۰۷ نفر کلاهبرداری کرده و خودرویی در اختیارشان قرار نداده بود.

گفت‌وگو با دانشجویی که برادر اوتیسمی‌اش را کشت

می‌خواستم از درد رهایش کنم!

این هفته در پشت صحنه یک جنایت سراغ مهرداد ۲۱ ساله، دانشجوی کارشناسی مهندسی نرم‌افزار رقیتم و پای صحبت او نشستیم و او از انگیزه‌اش برای قتل گفت. لیلا اسماعیلی، کارشناس ارشد روان‌شناسی هم دلایل وقوع این جنایت را بررسی کرد. مهرداد ۲۱ ساله متهم است که چند روز مانده به شب پل‌دای امسال به خاطر این‌که دیگر نمی‌توانست آزار و اذیت‌های برادر هشت‌ساله اوتیسمی‌اش را در خانه‌شان در یکی از محله‌های شرق تهران تحمل کند، در اقدامی عجیب، او را خفه کرد و بعد از جنایت تسلیم پلیس شد.

۸ سال حبس و رد مال برای مدیر کلاهبردار

مدیرعامل یک شرکت فروش لیزینگ به اتهام کلاهبرداری از ۱۰۷ نفر به هشت سال حبس و رد مال محکوم شد. به گزارش تسنیم، مدیرعامل این شرکت بدون اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی و تبلیغات در فضای مجازی از طریق سایت‌های

شش ماه بود که دچار بیماری روحی شده بود و تحت درمان قرار داشت. از سویی وجود برادر هشت ساله‌اش که مبتلا به بیماری اوتیسم بود حال و روز او را بدتر کرده بود. نمی‌توانست تحمل کند که این بچه خوب نمی‌شود. برای خلاصی او از این بیماری و پایان گرفتن آزار و اذیت خانواده‌اش که هفت سال بود از آن کودک بیمار نگهداری می‌کردند دست به قتل برداش‌زد.

معصومه ملکی

حوادث

برادرم فکر می‌کرد می‌خواهم با او بازی کنم

مهرداد فکر نمی‌کرد تصمیم لحظه‌ای برای قتل، او را روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی کند. خودش را برای امتحانات پایان ترم دانشگاه آماده کرده بود اما سرنوشت، برگ دیگری برایش رقم زد. او در گفت‌وگو با جام جم به‌تشریح روز قتل و انگیزه‌اش پرداخت.

چه کارای؟

شغلی ندارم و دانشجوی مهندسی رشته نرم‌افزار هستم.

بیماری؟

بله. ناراحتی روحی دارم. شش ماه است که تحت درمان روانپزشکم و دارو مصرف می‌کنم.

چرا بازنداشت شدی؟

قتل.

قتل چه کسی؟

برادر هشت ساله‌ام که مبتلا به بیماری اوتیسم بود.

چرا؟

چون برادرم به بیماری اوتیسم مبتلا بود بابت این بیماری درد و ناراحتی می‌کشید. خانواده‌ام از یک سالگی فهمیدند برادرم به اوتیسم مبتلا شده و مدام پیگیر وضعیت او و درمانش بودند. آنها سختی‌های زیادی بابت بیماری برادرم تحمل کردند. برادرم حال خوبی بابت این بیماری نداشت و مدام خانواده را اذیت می‌کرد. برادرم شب و روزش معلوم نبود. همه بابت بیماری او در رنج و عذاب بودیم. او را کاشتم که هم خودش آرام بگیرد و هم خانواده‌ام.

چطوری نقشه قتل را طراحی کردی؟

همان شب یک دفعه به ذهنم رسید که برادرم را بکشم.

نحوه قتل را از کجا یادگرفتی؟

چند سال قبل و در دوران نوجوانی ام یک فیلم

برای من هم اتفاق نیفتد. وقتی اورژانس و پلیس به خانه‌مان رفته بودند، به آنها گفتند که برادرم خوراکی خورده و در گلویش گیر کرده و فوت شده است.

بعد از قتل کجا رفتی؟

گوشی تلفن هم‌راهم را برداشتم و از خانه فرار کردم. ساعتی از جنایت گذشته بود و به فرهنگسرای محله‌مان رفتم و از آنجا به بوستانی رفته و روی نیمکت نشستم. هنوز در شوک بودم. نمی‌دانستم باید چه کنم. سرانجام به کیوسک پلیس رفتم و گفتم من برادرم را کشته‌ام.

فیلم زیادی می‌بینی؟

بله. بیشتر در ژانر خشونت و در مورد افراد درون‌گرا. چون خودم درون‌گرا هستم و این باعث شده دوستان زیادی نداشته باشم.

دلت برای چه کسی تنگ شده؟

برای برادرم و والدینم.

فکرمی‌کردی یک روز قاتل بشوی؟

من بخش حوادث روزنامه‌ها را می‌خواندم. وقتی می‌دیدم فردی یک‌دفعه‌ای قاتل شده باور نمی‌کردم. اما روزی که خودم ناخواسته دست به قتل زدم باورم شد آدمیزاد یک‌دفعه‌ای می‌تواند قاتل شود و زندگی‌اش از بین برود.

آرزویت چه بود؟

دوست داشتم درس بخوانم و مهندس نرم‌افزار شوم اما حالا دستم به خون برادرم آلوده شده است.

اگر زمان به عقب بازمی‌گشت؟

نمی‌دانم شاید دوباره ماجرای قتل تکرار می‌شد، شاید هم قاتل نمی‌شدم.

فکرمی‌کنی بخشیده شوی؟

نمی‌دانم.

خانواده‌ات چطور از جنایت باخبر شدند؟

آن روز به مطب دکتر رفته بودند و وقتی به خانه آمدند، با پیکری بی‌جان برادرم روبه‌رو شده و متوجه شدند من دست به این کار زده‌ام. حتی برای این‌که

درخواست خانواده غزاله بعد از مهلت یک ماهه به آرمان

سلبریتی‌ها مزاحم نشوند



آرمان دقایقی قبل از اجرای حکم، با کمک واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران توانست فرصتی یک ماهه بگیرد. دو قاضی صادرکننده حکم هم خواستار تحقیقات بیشتر در پرونده شدند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، آرمان ۲۴ ساله متهم است که دوازدهم اسفند سال ۹۴ وقتی پاسخ منفی در ازدواج با دختر ۱۸ ساله مورد علاقه‌اش را شنید، او را هل داد که سرش به لبه تخت خورد. بعد

با زدن ضربه‌هایی با میله بارفیکس او را کشته و جسدش را داخل چمدان او ردا ده و در سطل زباله انداخت. اما هیچ‌وقت جسد مقتول پیدا نشد.

متهم ابتدا به کانون اصلاح و تربیت و بعد به زندان رجایی‌شهر کرج منتقل شد. او در شعبه چهارم دادگاه کیفری محاکمه و منکر قتل دختر مورد علاقه‌اش شد و گفت: یک‌سال پیش که به آنتالیا سفر کرده بودم با غزاله در آنجا آشنا شدم. بعد از بازگشت‌مان در تهران دوستی‌مان ادامه داشت می‌خواستم با او ازدواج کنم که نشد و او می‌خواست برای ادامه تحصیل به سوئد برود. آن روز او در نبود والدین پزشکم به خانه‌مان آمد و بعد که رفت از راه پله‌ها افتاد و فوت شد. از ترسم جسدش را در چمدان گذاشتم و به سطل زباله انداختم.

با توجه به درخواست خانواده مقتول قضات به متهم حکم قصاص دادند که این حکم در شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور تایید شد. آرمان در این شش سال زیر تیغ قرار داشت، اما درس خواند. او توانست مدرک مهندسی کامپیوتر بگیرد و در کنکور ارشد نیز در رشته مهندسی پزشکی دانشگاه تربیت‌مدرس پذیرفته شود و ادامه تحصیل دهد. نزدیک به شش سال بعد از جنایت نام او در فهرست اعدامی‌های هفته دوم دی ماه قرار گرفت و به سوئیت منتقل شد. بعد از انتقال آرمان موجی برای توقف اجرای حکم و رضایت اولیای دم در کشور راه افتاد که تعدادی از بازیگران و مجریان با آن همراه شدند. همچنین دو قاضی به نام‌های مجید متین‌راسخ و محمود کیخا که در زمان محاکمه آرمان در دادگاه کیفری شعبه چهارم بودند پای مکاتباتی با رئیس دادگستری استان تهران و سرپرست محاکم کیفری یک استان تهران اعلام کردند با توجه به این‌که در پرونده هیچ‌وقت جسد پیدا نشد و استناداتی به دست آمده